

معضل پراکندگی کنونی نیروهای چپ در خارج از کشور!

سارا نیکو

گسترش مبارزات وسیع توده های ستمدیده در یک سال اخیر که علیرغم ترور و اختناق موجود یعنی علیرغم سلطه یک دیکتاتوری وحشتناک در ایران، با همه توان به مبارزه برای نابودی رژیم جمهوری اسلامی بر پاخاستند گر چه با حمایت وسیع نیرو های چپ و مترقی در خارج از کشور مواجه شد اما عدم تظاهرات های سازمان داده شده هم زمان، سراسری و متحدانه این نیروها، در همان حال، بار دیگر پراکندگی موجود در صفوف نیرو های چپ و مترقی را بوضوح در مقابل چشم همگان قرار داد. در شرایطی که توده های ستمدیده به دلیل 31 سال زندگی در زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی جانیشان به لبشان رسیده و به هر وسیله ای خشم و نفرت خود را از شرایط ظالمانه حاکم فریاد می زنند و در شرایطی که اصلاح طلبان حکومتی در تلاش بوده و هستند تا با سوار شدن بر امواج مبارزات مردم، این مبارزات را از مسیر اصلی خود منحرف سازند فقط کافی است نگاهی گذرا به عملکردهای مبارزاتی نیروهای چپ و انقلابی خارج از کشور ببینیم تا براحتی متوجه شویم که علیرغم همه تلاش هایی که تا کنون شده است، این پراکندگی ها تا چه حد در رسیدن این تلاشها به اهداف خود مشکل ایجاد کرده اند. در شرایطی که هدف همه نیرو های انقلابی حمایت از مبارزات مردم ایران و افشای جنایات و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی و رساندن صدای توده های ستمدیده به جهانیان است شاهدیم که چگونه این پراکندگی باعث تضعیف این تلاشها شده و دست نیروهای ارتجاعی و سازشکار را برای تحمیق و متوهم کردن ایرانیان خارج از کشور و به ویژه جوانان باز گذاشته است. نیروهایی که می کوشند با بهره گیری از پتانسیل عظیم مبارزاتی ایرانیان خارج از کشور زمینه را برای چانه زنی با قدرت های امپریالیستی جهت سهم شدن در قدرت سیاسی ایران در آینده، برای خود فراهم نمایند.

در یک سال گذشته اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی ضمن فریب بخشی از جوانان در هر تظاهراتی از سر داده شدن شعار سرنگونی و شعار هایی که تمامیت جمهوری اسلامی را زیر سؤال می برد جلوگیری کرده و به غیر دمکراتیک ترین شکلی هر کسی را که این خواست واقعی مردم را فریاد می زد، مورد برخورد های توهین آمیز و فیزیکی قرار داده و حتی تحویل پلیس داده اند. آنها با توسل به چنین رذالتی می خواستند و می خواهند تا به اربابانشان نشان دهند که اعتراضات مردمی زیر خط اصلاح طلبان پیش رفته و در صفوف اعتراضات مردم خبری از براندازی نیست و گویی همه این مردم به تظاهرات آمده اند تا احمدی نژاد را برداشته و مهره دیگری از رژیم سرتا پا فاسد جمهوری اسلامی را به مسند قدرت بنشانند. واقعیت این است که پراکندگی صفوف نیرو های انقلابی و مترقی در خیلی از کشور ها به آنها امکان نداده تا با برپائی تظاهرات های بزرگ به مقابله با ریاکاری های این جماعت برخیزند.

برای فعالین سیاسی در آمریکا تاثیرات این پراکندگی ها و عدم همکاری ها خود را در کمبود برپایی آکسیون های مبارزاتی بزرگ علیه رژیم نشان میدهد، در اینجا ما با نیروهای بزرگی از رفرمیست ها و اصلاح طلب ها که امکانات مالی و تبلیغاتی وسیعی در دست دارند روبرو هستیم که از همه این امکانات جهت منحرف کردن پتانسیل مبارزاتی مردم بهره می برند. موسسات آکادمیک، صدای آمریکا، انستیتو های مختلف تحت عنوان ایران شناسی و غیره عملا همه واماندگان سیاسی را در پناه خود گرفته و مرتب از هر جهت آنها را تغذیه فکری و مالی میکنند. اصلاح طلبان حکومتی، صد ها نظریه پرداز و وامانده را به خدمت گرفتند تا بر علیه انقلاب و رادیکالیسم انقلابی نوحه سرایی کنند تا به مردم چنین وانمود کنند که جمهوری اسلامی هنوز اصلاح پذیر است. آنهم در شرایطی که همه واقعیات عینی دلالت بر این دارند که اصلاح پذیری جمهوری اسلامی افسانه ای بیش نیست.

بنابراین واقعیتی انکار ناپذیر است که پراکندگی صفوف نیرو های مترقی همچون عاملی منفی در پیشبرد فعالیت های مبارزاتی این نیرو ها عمل کرده است. در نتیجه در قدم اول باید دید که علت این پراکندگی ها چیست؟ و چه زمینه هایی باعث شده اند که تلاش هایی که در این 31 سال گذشته جهت اتحاد شده است یکی پس از دیگری شکست بخورند و نه تنها زمینه نزدیکی بیشتر نیروهای مبارز را بوجود نیاوردند بلکه تجارب تلخ حاصل شده از برخی وحدت های سطحی زود گذر که صورت گرفتند هم

باعث هر چه بیشتر دور شدن و افتراق افراد و نیرو های سیاسی شوند. تجربه نشان داده که این وحدت ها بدون در نظر گرفتن وظایف متفاوت نیرو هائی که در خارج از کشور فعالیت می کنند با نیروئی که میدان اصلی فعالیت اش داخل کشور می باشد و قرار دادن اهداف غیر واقعی در مقابل خود به نتیجه نرسیدند.

واقعیت این است که علت پراکندگی موجود را نباید لزوماً در اختلافات نظری و سیاسی جستجو کرد ، زیرا با توجه به زمینه های مادی و طبقاتی گرایشات فکری در سطح جامعه، اختلافات نظری تا موجودیت این زمینه های مادی، امری همیشگی و طبیعی بوده و اتفاقاً در چنین بستری است که باید همکاری های مبارزاتی را گسترش داد. همکاری هائی که تنها در پرتو پراتیک مبارزاتی میتوانند زمینه نزدیکی های نظری بیشتری را فراهم کنند .

در حالیکه شرط اول برای موفق بودن هر وحدتی در درجه اول داشتن هدف مشترک و تفاهم و درک مشترک در استفاده از شیوه های درست مبارزاتی برای رسیدن به آن هدف است ، اجتناب از کلی گویی و پاسخ مشخص دادن در انتخاب راه کار های مبارزاتی تنها بستری است که می تواند یک گام نیروهای مترقی و انقلابی را جهت نزدیکی و اتحاد جلو برده و راه را برای اتحاد های بزرگتر هموار سازد ، از اینرو بسیار مهم هست که توضیح داد هدف از وحدت چیست؟ و این وحدت قرار است به کدام مسئله مشخص در جنبش پاسخ گوید؟ در شرایط کنونی کدام شعار ها و شیوه های مبارزاتی را میتوان در پیش گرفت تا وظایف مبارزاتی بر علیه رژیم را بهتر به پیش برد؟

در برخورد به معضل پراکندگی های موجود در بین نیروهای مبارز و انقلابی تا آنجا که به شرایط امروز ما در خارج از کشور برمیگردد ، واقعیات نشان می دهند که باید به جای حرکت در جهت وحدت های کاذب به سازماندهی همکاری و اتحاد عمل های مبارزاتی بین نیروهای مبارز و کمونیست در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی پرداخت و از طرف دیگر مبارزه ایدئولوژیک فعالی را حول مسائل مبرم و واقعی که امروز می تواند در ارتقاء سطح جنبش تاثیر گذار باشد دامن زد.

جهت شکوفائی این امر باید با حفظ اصول و پرنسیپ های پایه ای آنچنان شرایط دمکراتیکی را در فضای مبارزات عملی بوجود آورد که افراد و تشکلات انقلابی با حفظ هویت سیاسی خویش بتوانند در کنار هم صفوف مبارزاتی خود را هر چه بیشتر گسترش بخشند و یکپارچه رژیم جلا د جمهوری اسلامی را در سطح جهانی افشا کنند . هیچ اتحاد عملی نمی تواند با حذف هویت سیاسی افراد یا تشکلات انقلابی و یا نادیده گرفتن نظرات دیگران تداوم یابد. آن حداقلی که امروز میتواند در منسجم کردن صفوف مبارزاتی ما در حمایت از مبارزات مردم ایران نقش کلیدی ایفا کند ، موضع شفاف ما بر سر خواست انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی با همه جناحها و دسته هایش و موضع گیری بر علیه سلطه امپریالیسم برای ساختن جامعه ای آزاد و دمکراتیک می باشد.

جهت رسیدن به چنین اتحاد عمل مبارزاتی باید از گذشته درس گرفت و به مبارزه بر علیه برخی از عواملی که مانع شکل گیری اتحاد عمل های اصولی می شوند برخاست. از جمله این عوامل باید به برخورد های ناسالم و غیر دمکراتیک، سکتاریسم موجود که هم چون آفتی بر فضای سیاسی رخنه کرده، مخدوش کردن صف انقلاب و ضد انقلاب و تزلزل و عدول از پرنسیپ های سیاسی در جریاناتی که همواره کمیت را فدای کیفیت نموده و در بزنگاه های حساس این دوران مرعوب جو شدند و نتوانستند حتی بر اصولی که خود در پلتفرم هایشان روی کاغذ آوردند نیز وفادار بمانند ، تاکید نمود.

این نکات بخشی از مشکلاتی می باشند که تا کنون امکان تداوم همکاری های مشترک نیروهای مترقی را از آنها سلب کرده اند. البته تلاشهای دستگاه های اطلاعاتی رژیم هم در ایجاد این تفرقه ها بی تاثیر نبوده است.

اعتماد ایرانیان مبارز خارج از کشور که خود قربانیان نظام جهانی جمهوری اسلامی هستند تنها زمانی جلب خواهد شد که در عمل شاهد قدرت مبارزاتی نیرو های مترقی در صحنه های مبارزاتی باشند. در خارج از کشور در شرایطی که نیروهای چپ امکانات بیشتری برای منعکس کردن صدای مبارزات مردم و تشدید مبارزه بر علیه دشمنان مردم را دارند، مسلماً ظنین انداز شدن هرچه رسا تر شعار مرگ بر جمهوری اسلامی نقش مهمی در خنثی کردن کوشش هائی خواهد داشت که در جلوگیری از رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر جنبش جاری بکار می روند.

در شرایطی که اصلاح طلبان حکومتی چون موسوی و ایدیشان چون گنجی ها، سازگار ها، مخملباف ها ، کدیور ها سعی دارند تا مبارزات مردم را در چار چوب حفظ نظام موجود محدود کنند باید کوشش کرد تا با تشدید مبارزات بر علیه تمامیت رژیم جمهوری اسلامی ، ایرانیان خارج از کشور را به ضرورت طرح شعار "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" آگاه کرد. شعارهای سرنگونی خواهانه بر علیه رژیم برای پیشرفت جنبش چه در داخل و چه در خارج از کشور از اهمیتی حیاتی برخوردار اند.

در چنین شرایطی است که اتحاد نیروهای مبارز و انقلابی که مبارزات مردم را در نفی کلیت رژیم جمهوری اسلامی با همه جناح های درونی آن و خط کشی شفاف بر علیه امپریالیسم می بینند از هر زمان دیگری ضروری تر می شود و وظیفه چگونگی رسیدن به چنین اتحاد های مبارزاتی را در پیش پای هر انسانی که مسئله رهایی مردم ایران را در چشم انداز دارد قرار میدهد.

با خیزش بزرگ مردم ایران برای رسیدن به آزادی و دموکراسی و در شرایط سیاسی حساسی که جامعه ایران امروز در آن بسر میبرد ، سوالی که برای همه ما در خارج از کشور مطرح میشود این است که چگونه میتوانیم به وظائف انقلابی خود در جهت حمایت از این مبارزات و تاثیر گذاری بر روی آن عمل کنیم؟ جهت عمل به این وظایف باید با شکل دادن به وسیع ترین اتحاد عمل های مبارزاتی ، بیشترین نیروی مبارزاتی ممکن را به صحنه عمل کشاند و برای شکل دادن به چنین اتحاد عملی باید با هر گرایش خود محورانه و سکتاریستی وسیعا به مبارزه برخاست و اجازه نداد که درک های کوتاه بینانه از همکاری نیرو های انقلابی جایگزین وسعت نظر انقلابی شود. باید تلاش کرد تا همه نیرو های انقلابی با شعار ها و پرچم های خود زیر پلاتفرمی که خواست سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با همه جناح ها و دارو دسته هایش و قطع قطعی سلطه امپریالیسم بر آن قید شده است در صفی واحد به میدان آمده و صدای حق طلبانه توده های ستمدیده ایران را پژواک دهند.

سارا نیکو

10 آگوست 2010